

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Human rights

حقوق بشر

## غبار مرگبار

متن ویدیو و قسمت هائی از آن



فریدر واگنر Frieder Wagner

ترجمه توسط: حمید بهشتی

اصل ویدیو: <http://www.tlaxcala-int.org/article.asp?reference=۱۷۷۵>

متن زیر محتوای ویدیویی است در باره آثار وحشتبار تسلیحات اورانیوم دار که از طرف نیروهای امریکا و انگلیس هم در عراق و افغانستان و هم در کوزوو و یوگوسلاوی سابق به کار برده شد. بخش هائی از ویدیوی مزبور و نیز تصاویری از آن در ذیل به متن اضافه شده اند. لینک اصل ویدیو نیز که به زبان المانی است در پائین متن وجود دارد. این ویدیو گزارشی است از فیلمی به نام "غبار مرگبار".

تهیه کننده فیلم، فریدر واگنر می گوید:

بله، این فیلمی است که شاید شما از آن خوشتان نیاید. به ویژه به مذاق کسانی که مسؤولیت آن کارها را بر عهده دارند. اما ما باید آن را تماشا کنیم. زیرا در رسانه ها به کلی مسکوت گذاشته و خبری در باره آن پخش نمی کنند و در باره موضوع آن به کلی سکوت می کنند. و این موضوعی است که باید برای همه ما جالب باشد. زیرا به تسلیحات اتمی مربوط می شود. تسلیحات اتمی یکی از زیاده های تولیدی در صنایع هسته ای است و در تولید تسلیحات و بمب ها مورد استفاده قرار می گیرند. درد آور این است که آن، هم بر انسان و هم بر طبیعت اثر می کند. بدین معنا که هنگام به کار گرفتن آن که ذره ذره شده و به صورت غبار در می آید، این ذرات آتش گرفته و از راه تنفس وارد بدن می شود و آنگاه اطفالی به دنیا می آیند که به طرز وحشتناکی ناقص العضو هستند. کسانی که آنرا تنفس می کنند، چه سربازان در حین عملیات باشند، مانند کوزوو، عراق و افغانستان یا... چه بگویم، آنچه من آنجا

دیدم مانند این بود که آدمی به اعماق زوال انسانی بنگرد. هنوز نیز این موجودات ناقص الخلقه در خواب به سراغم می آیند. این اطفال بی گناه!



اطفالی که چشم ندارند و به جای آن غده های سرخ رنگ است، دهان ندارند و به جایش دهان ماهی است، بدنشان پوست ندارد و به جای آن چیزی مانند پوست ماهی که مانند شیشه می ماند، که نمی توانند تنفس کنند و فاقد دست بوده و اعضاء و جوارح بدنشان در کیسه ای بر پشتشان قرار دارد ولی زنده هستند و پس از یک روز، دو روز، سه روز با تحمل درد طاقت فرسا زندگی شان به پایان می رسد.

مسئولیت این ها با کیست؟ با دو کشور دموکرات در جهان: ایالات متحده امریکا و بریتانیای کبیر. این یک جنایت جنگی است. جنایت جنگی محض است. جنایتی است که اینها در حق انسان و طبیعت می کنند. زیرا محیط زیست را به کلی آلوده می کنند. مناطقی در عراق هست که مطابق معیارهای ما غیر قابل سکونت می باشند.

دولت عراق، اگرچه دولتی است که وجودش به مرحمت امریکا وابسته است، به تازگی اعلام نموده است که ۱۸ منطقه در اطراف بغداد و بصره و ناصریه غیر قابل سکونت می باشند و اهالی باید از آنجا تغییر مکان یابند. اما مردم آنجا کاملاً آلوده شده اند. به هنگام بمباران آلوده شده اند. مانند حاجیج (در کوزوو) که در فیلم نشان داده می شود. آنجا مردم را، ۳۵۰۰ نفر را نقل مکان دادند و از این ۳۵۰۰ نفر در عرض سه سال ۱۱۱۲ تن بر اثر ابتلاء به سرطان جان دادند. این جنایت جنگی است. یک نوع ویژه ای از جنایت جنگی است و اگر جنایت جنگی هست، باید کسانی که مسئولیت آن را بر عهده دارند، خانواده بوش، دبلیو بوش و پدرش که مسئولیت اولین جنگ خلیج بر عهده اوست و آقای بلیر باید در یک دادگاه نظامی مورد محاکمه قرار گیرند.



بوش پدر و پسر

تونی بلیر

هنگام اصابت یک چنین بمبی گرمائی فوق العاده ایجاد و ملیون ها ذره ریز در هوا معلق می گردند که می توانند همه را بکشند.



در این تانک ما دیروز به میزان ۲۰ هزار برابر آنچه در موارد عادی و در محیط طبیعی وجود دارد تشعشعات رادیواکتیو را اندازه گیری کردیم.



*Siegwart-Horst Günther*

پرسشی که در فکر من مطرح شد این بود که آیا نیروهای متحده که برای یافتن تسلیحات کشتار جمعی به عراق آمده بودند، خودشان با به کار گرفتن تسلیحات اورانیوم دار تسلیحات کشتار جمعی به کار نبرده اند؟  
یک خانم دکتر به نام جنان حسن در بیمارستانی در بغداد به هنگام ویزیت خطاب به پرفسور گونتر:  
پیش بینی ما بسیار بد است. ۸۰٪ این ها خواهند مرد. همه چیز تا کنون توسط غبار اورانیوم که از طریق باد می آید آلوده گشته است. هوا، زمین، مواد غذایی، همه چیز آلوده شده است.



این بچه دچار مرض جلدی است، دارای چشمانی مانند چشمان ماهی و دهانی مانند دهان ماهی است و زنده نخواهد ماند.



پس از مدتی من تیرهائی (بمب هائی) یافتم که بسیار شگفت آور به نظر می آمدند.



آنگاه وقتی که من در اطراف بصره کودکانی را دیدم که با این تیرها بازی می کردند و آنها را به صورت عروسک رنگ کرده بودند و سپس یکی از آن ها به مرض سرطان خون مرد، موجب سوء ظن زیادی در من گشت. من خودم در سال ۱۹۹۲ از راه دیگری به تحقیق پرداختم. یکی از این تیرها را که در عراق یافته بودیم، در اسباب سفر یک دیپلمات به برلین فرستادم. قصد من این بود که مطمئن شوم آیا واقعاً این تیرها همانگونه که من حدس می زدم رادیو اکتیو می باشند؟ سپس برای آزمایش آن به سه دانشگاه مراجعه کردم. ابتداء آن را به دانشگاه هومبولد بردم. آنجا به من گفتند این به شدت سمی و رادیواکتیو می باشد و ما حاضر نیستیم به آن دست بزنیم. سپس به دانشگاه صنعتی مراجعه کردم. دانشگاه صنعتی نیز همانگونه برخورد کرد. آنها هم گفتند ما حاضر نیستیم به آن

دست بزیم، بروید به دانشگاه آزاد، به انستیتوی رادیولوژی. هنگامی که من به آنجا رسیدم گفتند امروز جمعه است و ما نمی خواهیم این را نزد خود نگاه داریم. بروید و روز دوشنبه بیایید. من هم مجبور شدم با آن شی در کیفم از این سوی برلین به آن سو رفته و روز دوشنبه دوباره تمام شهر را طی کنم و به آنجا بروم. آنجا ۱۶ تن از نفرات پولیس حضور داشتند که عملاً قصد دستگیری مرا داشتند. زیرا به آنها اطلاع داده بودند که تیری آلوده به رادیواکتیو به آنجا آورده خواهد شد. سپس یک واحد ویژه پلیس به آنجا آمد، با لباس های حفاظ و جعبه مخصوص .



آنها گفتند شی مزبور بسیار سمی و رادیواکتیو می باشد و ما باید آنرا مصادره کنیم. سپس آن را در جعبه مخصوص با خود بردند. نتیجه اش این بود که دادگاه برلین مرا به خاطر این که تشعشعات یونیزه را با خود آورده بودم، می خواست ، محکوم کند. استدلال دادگاه این بود که به دلیل کارکرد اشتباه با پرتابه تیر، موجب خطر آلودگی به مواد رادیواکتیو و زیان به سلامتی مردم گشته ام. به همین دلیل نیز مرا به پرداخت ۳۰۰۰ مارک محکوم نمودند. من حکم مزبور را نپذیرفته و دستگیر و ۵ هفته زندان کشیدم. با اینحال بدین طریق توانستم درستی این گمان را که تیرهای مزبور رادیواکتیو می باشند، ثابت کنم. و این نیز تأیید شد که تشخیص من مبنی بر این که آن تیرها می توانستند موجب همه آن بیماری ها شده باشند، درست بوده است.